

تحركات تازهی ملل متحد و کشورهای منطقه برای ادغام نظام حاکم در جامعه سکولار جهانی

در روزهای اخیر، تحركات سازمان ملل در افغانستان به گونه‌ای فشرده‌تر از گذشته پیگیری می‌شود. سفر معاون سرمنشی ملل متحد در امور بشردوستانه به کابل و قندهار و در کنار آن دعوت امیرخان متقی، وزیر خارجه نظام حاکم، به قطر، نشانه‌هایی از تلاش‌های تازه برای به جریان انداختن طرح‌های بین‌المللی و تطمیع حکومت افغانستان است.

دفتر مطبوعاتی حزب التحرير - ولایه افغانستان در این چارچوب چند نکته را قابل تأمل می‌داند:

چنان‌که دیده می‌شود، طرح سازمان ملل موسوم به «نقشه راه» که هدف آن ادغام نظام حاکم در جامعه سکولار جهانی است، در اجرا با چالش‌های جدی مواجه شده و روند تطبیق آن به بن‌بست رسیده است؛ چراکه رهبری حکومت افغانستان برخلاف انتظارات غرب، از تن دادن به تغییرات اساسی در رویکرد خود خودداری کرده‌اند. با وجود این ناکامی، غرب به رهبری ایالات متحده نمی‌خواهد در برابر این وضعیت سکوت کند. از این رو، اخیراً طرح‌های جدیدی روی میز آمده‌اند تا همان هدف را از مسیرهای بدیل پیگیری کنند. در قلب این تلاش‌ها، راهبردی نهفته است که می‌کوشد نظام حاکم را به تدریج و از طریق تعامل هدفمند با نظم جهانی موجود، در آن ذوب کرده و گام به گام از داعیه اسلامی‌اش دور سازد.

امریکا با اسالیب خوف و رجا (تشویق و تنبیه) در صدد پیشبرد این نقشه راه و تعامل هدفمند با نظام حاکم است. در این راستا گاهی به‌طور مستقیم وارد عمل می‌شود؛ مانند حذف برخی چهره‌ها از فهرست سیاه یا اعطای امتیازات سیاسی محدود. گاهی نیز با لغو کمک‌های بین‌المللی، ابزار فشار را به کار می‌گیرد. در کنار این اقدامات آشکار، از طریق نهادهایی چون سازمان ملل و کشورهای مانند قطر، همین سیاست را به صورت غیرمستقیم و نرم پیگیری می‌کند. همچنین، سیاست تفرقه‌افکنی در صفوف نظام حاکم با برچسب «معتدل» و «افراطی» نیز در دستور کار قرار دارد؛ هدف آن، شکستن انسجام درونی و سوق دادن بخشی از این جریان به سوی اسلام معتدل است.

قطر به عنوان مهمان‌خانه غرب نقش کلیدی در این بازی کثیف دارد. این کشور، همراه با ملل متحد، تلاش می‌کند در برابر سیاست تهدیدآمیز اخیر ترامپ، نوعی موازنه ایجاد کند و برخی از حلقات نظام حاکم را تطمیع نماید. نتیجه چنین سیاست‌ها اکنون به روشنی در گفتار امیر خان متقی نمایان است. او در مصاحبه اخیر خود با الجزیره از جامعه جهانی خواست تا افغانستان را به میدان «رقابت مثبت اقتصادی» بدل کنند؛ حالی که تاریخ و تجربه معاصر نشان داده است که چنین رقابت‌هایی در کشورهای ضعیف، همواره پوششی برای نفوذ، وابستگی و در نهایت استعمار اقتصادی بوده است.

وزیر خارجه در موضوع فلسطین گفت: ما در قبال فلسطین «مسئولیت اخلاقی» داریم. حال آن‌که مسئولیت مسلمانان، و به ویژه حاکم مسلمانان، در قبال فلسطین یک تکلیف شرعی است، نه صرفاً یک احساس وجدانی یا اخلاقی. حاکم باید برای یاری مستضعفین، لشکرها را به حرکت درآورد؛ نه این‌که با پناه بردن به چنین اصطلاحات، از اقدام عملی طفره برونند. این حس اخلاقی و وجدانی را حتی برخی غیرمسلمانان در غرب نشان دادند؛ کسانی که به جاده‌ها آمدند یا مانند آن سرباز آمریکایی، در برابر سفارت اسرائیل، خود را به آتش کشیدند.

از سوی دیگر، امیرخان متقی در این مصاحبه از ترامپ خواست که در قضیه افغانستان «شجاعت سیاسی» به خرج دهد. این در حالی است که هر فرد و جامعه به اندازه ایمان خود بر ارزش‌هایش شجاعت دارد. ترامپ اگر شجاعت به خرج دهد، در راستای منافع خودش است؛ اما حاکم مسلمان کجاست؟ کسی که تنها در محور خوف و رجا الهی سیاست نموده، برای اقامه دین و اظهار آن اقدام می‌کند، از عاقبت امور نمی‌ترسد و از هیچ ملامتگری بیم ندارد. این حاکم مسلمان است که باید شجاعت تأسیس خلافت را شده و سیاست خارجی بر پایه دعوت و جهاد را داشته باشد. آری، رسالت امت برای اظهار دین، جرئت می‌خواهد و ما این شجاعت را از حکام خود می‌خواهیم.

﴿الَّذِينَ يَلْعَنُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ﴾ (الأحزاب: ۳۹)

ترجمه: آنان که پیام‌های الله را می‌رسانند و فقط از او می‌ترسند و از هیچ‌کس جز او نمی‌ترسند.

دفتر مطبوعاتی حزب التحرير - ولایه افغانستان